ما قادر به ارائهٔ پاسخی مطمئن نیستیم. فهرست خصوصیاتی که حوزهٔ رده‌بندی گیاهان را از سایر حوزه‌های زیست‌شناسی جدا می‌کند حد اقل یک تعریف فنی ارائه می‌کند اما این تعریف مورد پسند همگان قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین تعریف اصطلاح گیاه همیشه به معنی بیشتر موجودات زنده طبقه‌بندی شده در محدودهٔ رده‌بندی گیاهان می‌باشد. مثلاً «اگر جلبک‌های سبز به وضوح گیاهانی جزو رده‌بندی گیاهان هستند، پس بیشتر مردم اکثر خزه‌های دریایی را هم که جزئی از (حوزه آغازیان) هستند، جزو جلبک‌های سبز در نظر می‌گیرند. مشکل عدم وجود دقت یا توافق که در تعریف گیاه وجود دارد یکی از گفته‌های مورد تفاهم است که اغلب در مقالات با آن مواجه می شوند.

خاصیت ذره‌ای و موجی نور که یک پدیدهٔ فیزیکی [الکترومغناطیسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A7%D8%A8%D8%B4_%D8%A7%D9%84%DA%A9%D8%AA%D8%B1%D9%88%D9%85%D8%BA%D9%86%D8%A7%D8%B7%DB%8C%D8%B3%DB%8C) است و در نتیجهٔ برخورد نور به سطح اشیاء و باز تاب ویژهٔ [طول موجی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B7%D9%88%D9%84_%D9%85%D9%88%D8%AC) این تابش نور و [شدت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%AF%D8%AA_%D9%86%D9%88%D8%B1) آن، توسط چشم احساس و پردازش شده، و به عنوان مفهوم رنگ آن در ذهن شناخته می‌شود. تجزیهٔ [نور سفید](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D9%88%D8%B1_%D8%B3%D9%81%DB%8C%D8%AF) توسط یک [منشور](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1) نیز یک خاصیت فیزیکی است که با این عمل هفت رنگ طیف بدست می‌آید: شامل بنفش، نیلی، آبی، سبز، زرد، نارنجی و قرمز است؛ بنابراین رنگ‌ها ناشی از امواج نور هستند و چشم انسان قادر است رنگ‌هایی را که طول موج آن‌ها بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ میلی میکرون است ببیند. (میلی میکرون واحدی است برای اندازه‌گیری امواج که معادل یک میلیونوم میلی‌متر است). در قرن هفدهم میلادی نیوتن موفق شد با تجزیه نور سفید طیف رنگ‌ها را به دست آورد. او کشف نمود که نور سفید شامل انواع اشعه است که هرگاه به‌طور جداگانه‌ای با شبکهٔ چشم انسان برخورد کند احساس یک رنگ مجزا را به وجود خواهد آورد و اختلاط این اشعه‌ها بر روی شبکهٔ چشم، رنگ سفید را محسوس می‌سازد.

پیشینیان موسیقی را چنین تعریف کرده‌اند: معرفت الحان و آنچه التیام الحان بدان بود و بدان کامل شود. [ارسطو](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D8%B7%D9%88) موسیقی را یکی از شاخه‌های [ریاضی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D8%B6%DB%8C) می‌دانسته و فیلسوفان اسلامی نیز این نظر را پذیرفته‌اند، همانند [ابن سینا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%B3%DB%8C%D9%86%D8%A7) که در بخش ریاضی [کتاب شفا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8_%D8%B4%D9%81%D8%A7) از موسیقی نام برده‌است ولی از آنجا که همه ویژگی‌های موسیقی مانند ریاضی مسلم و غیرقابل تغییر نیست، بلکه ذوق و قریحهٔ سازنده و نوازنده هم در آن دخالت تام دارد، آن را [هنر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%D9%86%D8%B1) نیز می‌دانند. در هر صورت موسیقی امروز دانش و هنری گسترده‌است که دارای بخش‌های گوناگون و تخصّصی می‌باشد.

دربارهٔ واژهٔ تاریخ و منشأ آن، گزارش‌های مختلف و گوناگونی وجود دارد. برخی ریشهٔ واژهٔ تاریخ را در [زبان فارسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C) و مفهوم «ماه روز» جستجو نموده‌اند. واژهٔ «ماه روز» در ایران باستان به معنای «تعیین روزی که در آن امری مشهور بین ملت یا دولتی آشکار شده یا آنکه در آن روز واقعهٔ ترسناکی چون زلزله یا طوفان حادث گردیده است.» بنابراین آنچه در این مفهوم دارای حضور و نمود بیش‌تری بوده، توجه به رخدادها و حوادث در قالب مکانی و زمانی است. در برخی از گزارش‌ها آمده‌است که چون [عمر بن خطاب](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%85%D8%B1_%D8%A8%D9%86_%D8%AE%D8%B7%D8%A7%D8%A8) در تعیین مبدأ محاسبهٔ زمان دچار مشکل شد، به پیشنهاد هرمزان (از موالی ایرانی ساکن در مدینه) از تعریب ترکیب فارسی «ماه روز»، واژهٔ «مورَّخ» را ساختند و مصدرش را «تأریخ» قرار دادند. در خصوص تعریب و معرب بودن واژهٔ تاریخ باید توجه داشت که کمترین شباهت آوایی و قرابت واکه‌ای یا هم‌آهنگی واکه‌ای، تشابه صرفی یا تکواژی بین «ماه روز» و «تاریخ» وجود ندارد و به همین دلیل، آن را تعرب غریبی می‌دانند.

[نوام چامسکی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%85_%DA%86%D8%A7%D9%85%D8%B3%DA%A9%DB%8C) از زبان‌شناسانی است که نظریاتش انقلابی در این رشته به وجود آوردند. او معتقد است اصول و خصوصیات زبان در انسان ذاتی و «به‌طور ارثی برنامه‌ریزی شده» اوست و محیط پیرامون کودک تنها نقش محرک را برای یادگیری [زبان مادری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%B1%DB%8C) ایفا می‌کند. کودک مجموعه محدودی از اطلاعات را از محیط زبانی خویش می‌گیرد و خود قادر است ترکیبات جدیدی بسازد. نظریه‌پردازان پیش‌تر معتقد بودند زبان مادری تنها از راه شنیدن گفتار اطرافیان و به صورت اکتسابی وارد مغز کودک می‌شود.

امواج موجود در فضا توسط [آنتن موبایل](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%86%D8%AA%D9%86_%D9%85%D9%88%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D9%84) دریافت شده و وارد قطعه‌ای به نام آنتن سوییچ می‌شوند. آنتن سوییچ وظیفه تعیین حالت فرستندگی یا گیرندگی آنتن را به عهده دارد. بسته به این که موبایل سازگار با چند باند GSM باشد، تعداد پایه‌های آنتن سوییچ متفاوت خواهد بود. آنتن سوییچ برای هر باند GSM، آنتن را به یک خروجی به نام RX و یک ورودی به نام TX وصل می‌کند. در حقیقت آنتن سوییچ مانند یک کلید است که با فرمان‌هایی آنتن را مرتباً به خط RX یا به TX متصل می‌کند. در بلوکی که مشاهده کردید، موبایل قابلیت کار با دو باند GSM900 و GSM1800 را دارد؛ بنابراین آنتن سوییچ دو خروجی RX و دو ورودی TX خواهند داشت که در شبکه‌های تلفن ایران از آن جایی که GSM 900 است خط RX و TX باند ۱۸۰۰ بدون استفاده خواهد بود. آنتن سوییچ یکی از قطعات حساس برد موبایل است و خرابی در آن باعث به وجود آمدن عیوبی از قبیل پرش آنتن یا نداشتن دریافت یا ارسال خواهد شد. در مورد سلف و خازن قبل از اتصال آنتن به آنتن سوییچ نیز از آن جایی که امپدانس خروجی آنتن بسیار کم است و از طرفی امپدانس ورودی آنتن زیاد است، باید قبل از اتصال این دو، عمل تطبیق امپدانس توسط قطعه‌ای انجام شود. معمولاً در مدارات، قسمت آنتن موبایل از یک سلف که به صورت موازی بین آنتن و زمین بسته می‌شود استفاده تشکیل می‌شود. این سلف می‌تواند باعث عمل تطبیق امپدانس بین آنتن و آنتن سوییچ شده و مانع از هدایت جریان DC بین این دو واحد گردد تا این دو واحد اثر منفی در عملکرد یکدیگر نداشته باشند. وظیفه فیلتر SAW حذف فرکانس‌های کانال همسایه و فرکانس‌های مزاحم است. خط خروجی RX از آنتن سوئیچ وارد SAW شده و بعد از آن فرکانس‌های مزاحم حذف می‌شود و فقط فرکانس‌های باند GSM در خروجی آن دیده می‌شود. SAW همان‌گونه که فرکانس‌های مزاحم را حذف می‌کند، فرکانس‌های اصلی GSM را هم خیلی ضعیف می‌کند. برای تقویت سیگنال‌های دریافتی GSM بعد از SAW از یک [تقویت‌کننده](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D9%82%D9%88%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF%D9%87) به نام LNA استفاده می‌شود.

در برخی [ادیان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%A7%D9%86)، [زندگی پس از مرگ](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C_%D9%BE%D8%B3_%D8%A7%D8%B2_%D9%85%D8%B1%DA%AF) نیز تعریف شده‌است.[[۳]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C#cite_note-3) زندگی را می‌توان که از دیدگاه‌های مادی و معنوی، جدا نمود.[نیازمند منبع] البته هنوز برخی ابهام‌ها و نارسایی‌ها در این زمینه وجود دارد، از جمله در ویروس‌ها که فقط از رشته [دی‌ان‌ای](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A7%DB%8C)تشکیل شده‌اند و به تنهایی و بدون وجود سلول میزبان، علایم موجودات [زنده](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D9%86%D8%AF%D9%87) را ندارند. برخی از دانشمندان [ویروس‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3) را مرز میان موجودات زنده و غیر زنده و به صورت یک هاله (مانند [نیم سایه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%DB%8C%D9%85_%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D9%87)) دانسته‌اند که کاملاً قابل جداسازی نیستند. ایا دی‌ان‌ای فرق موجودات زنده با غیر زنده است؟ آیا ساختاری هوشمند (وجود نظم بین سلول‌ها و اجزای مختلف)، موجود زنده را تشکیل می‌دهد؟ که البته سلول‌های سرطانی این موضوع را رد می‌کنند زیرا در مقابل از بین رفتنشان مقاومت می‌کنند و مانع از درست کار کرد بدن می‌شوند (سلول‌ها بعد از پایان عمر، باید با سلول‌هایی جدید جایگزین شوند). به زبانی دیگر سلول‌های یک فرد سرطانی نامیرا شده و در مقابل مرگ خود و فرمان طبیعی بدن مقاومت می‌کنند ولی فرد سرطانی فردی زنده است با اینکه برخی از اعضای بدنش درست کار نمی‌کند. زندگی ممکن است به خاطر سلول‌های عصبی و مغزی باشد که در طول زندگی جایگزین نمی‌شوند و فقط رشد می‌کنند و می‌دانیم که اگر فردی اعضای بدنش را اهدا کند خودش باقی می‌ماند و از خودش کم نمی‌شود ولی کسی نمی‌تواند مغزش را عوض کند. به تعریفی دیگر حیات نحوهٔ خاص از هستی است که مبدأ ظهور علم و قدرت شده و عامل هماهنگ کننده "اندیشه علمی" و "انگیزه عملی" است، به طوری که اندیشه علمی بر انگیزه عملی اشراف و نظارت داشته و انگیزه عملی تحت هدایت اندیشه علمی، به صورت کوشش عینی ظهور یابد.

از دوران باستان، انسان‌ها سعی می‌کردند که رفتار طبیعت را درک و پیش‌بینی کنند. در ابتدا، این‌گونه پرسش‌ها در مورد طبیعت و رفتار آن، در قلمرو [فلسفه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D9%84%D8%B3%D9%81%D9%87) دسته‌بندی می‌شد. به همین دلیل است که در نوشته‌های فیلسوفان باستان همچون [ارسطو](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D8%B7%D9%88)، [افلاطون](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%81%D9%84%D8%A7%D8%B7%D9%88%D9%86) و[بطلمیوس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%B7%D9%84%D9%85%DB%8C%D9%88%D8%B3) و … نوشته‌های بسیاری در مورد رفتارهای طبیعت، مخصوصاً حرکت ستارگان و [خورشید](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%B4%DB%8C%D8%AF) می‌بینیم. در بعضی از این نوشته‌ها، مواردی وجود داشت که بررسی پدیده‌های آسمانی را با افسانه‌ها و اعتقادات مردمان آن دوره از تاریخ آمیخته می‌کرد و علی‌رغم پیش‌بینی‌های درست، نمی‌توانست باعث متقاعد شدن آیندگان شود.

قلب در لغت به معنی دگرگونی است قلب از لحاظ علمی اندامی است که در مرکز قفسهٔ سینه (متمایل به سمت چپ) واقع شده‌است و وزن آن ۳۰۰گرم است و خون را پمپاژ می‌کند نام این عضو به علت اینکه باعث دگرگونی خون و تبدیل خون کثیف به خون تمیز می‌شود قلب نام‌گذاری شده‌است در دگرگون کردن خون، قلب مانند یک تلمبه عمل می‌کند